

Evaluating the Impact of the Economic Structure of the Islamic Republic of Iran on Its Political Structure with an Emphasis on the Democracy Process

Hosein jeddi¹

*1. PhD. student, Political science, Baqir al-Olum University, Qom, Iran (Corresponding Author);
jeddihosein@gmail.com.*

Received: 26 June 2019; **Revised:** 12 October 2019; **Accepted:** 15 October 2019

Abstract

The present study aims to explain and analyze the effects of economic structure of the Islamic Republic of Iran on its political structure. In this regard, using a descriptive-analytical method - it discusses the effects of economic structure on formation of the political structure of the Islamic Republic of Iran, in terms of democracy or authoritarianism and it explores if the economic structure of the Islamic Republic of Iran has helped to enhance democracy in the Islamic Republic or it has prevented it. The results of the research which have used the political-economy approach, indicate that the economic structure of the Islamic Republic of Iran and its players, in order to survive and secure their interests, have influenced some indicators of the open access political structure such as power distribution, power rotation, independence of forces, Freedom of speech, freedom of participation, limited political activity and have made them ineffective, thus they have reinforced the political structure of restricted access and prevented the consolidation of democracy in the Islamic Republic. Therefore, the economic structure of the Islamic Republic is one of the barriers to consolidation and promotion of democracy in the Islamic Republic and its reform is necessary.

Keywords: Political economy, economic system, economic policies, democracy, economic structure, political structure, Iran.

بررسی تأثیر ساختار اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر ساختار سیاسی آن با تأکید بر فرایند مردم‌سالاری

حسین جدی^۱

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران: jeddihosein@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۰۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۳۹۸/۰۷/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین و واکاوی تأثیرات ساختار اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر ساختار سیاسی آن است. در این راستا، با روش توصیفی - تحلیلی، تأثیرات ساختار اقتصادی بر شکل‌گیری نوع ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران به لحاظ مردم‌سالار یا اقتدارگرا بودن مورد بحث قرار گرفته و به این مسأله پرداخته شده است که آیا ساختار اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به تقویت و ارتقاء مردم‌سالاری در جمهوری اسلامی کمک کرده یا مانع تقویت و تثبیت آن بوده است.

نتایج پژوهش که از رویکرد اقتصاد سیاسی بهره برده است، حاکی از آن است که ساختار اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و بازیگرانش در راستای بقاء و تأمین منافع خود با تأثیرگذاری بر برخی از شاخص‌های ساختار سیاسی دسترسی باز همچون توزیع قدرت، چرخش قدرت، استقلال قوا، آزادی بیان، آزادی مشارکت، فعالیت سیاسی و محدود و کم اثر کردن آنها، به تقویت ساختار سیاسی دسترسی محدود پرداخته و مانع تقویت و تثبیت مردم‌سالاری در جمهوری اسلامی شده‌اند. بنابراین، ساختار اقتصادی جمهوری اسلامی یکی از موانع تثبیت و ارتقاء مردم‌سالاری در جمهوری اسلامی بوده و اصلاح آن لازم است.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد سیاسی، نظام اقتصادی، سیاست‌های اقتصادی، مردم‌سالاری، ساختار اقتصادی، ساختار سیاسی، ایران.

مقدمه

این مقاله درصدد بررسی تاثیرات ساختار اقتصادی جمهوری اسلامی بر ساختار سیاسی آن می‌باشد. ساختارهای اقتصادی و سیاسی از یک دیدگاه به دو نوع دسترسی محدود و دسترسی باز تقسیم می‌شوند که بقاء و تامین منافع هر نوع از این ساختارها بستگی به وجود هم نوعش دارد، لذا ساختارهای اقتصادی و سیاسی در راستای بقاء و تامین منافع‌شان بر یکدیگر اثر می‌گذارند و سعی می‌کنند ساختار هم نوع خود را تولید و تقویت کنند. ساختار اقتصادی نسبت به نوع ساختار سیاسی که مردم‌سالار (دسترسی باز) باشد، یا اقتدارگرا (دسترسی محدود)، بی‌تفاوت نیست و بر نوع ساختار سیاسی تاثیر می‌گذارد، در نتیجه در بررسی چرایی تحقق یا عدم تحقق ساختارهای سیاسی مردم‌سالار، توجه به ساختار اقتصادی جامعه و منافع بازیگران اقتصادی لازم و ضروری است. از همین رو پژوهش حاضر در راستای بررسی موانع و چالش‌های تقویت و ارتقاء مردم‌سالاری در جمهوری اسلامی ایران، درصدد بررسی تاثیرات ساختار اقتصادی بر ساختار سیاسی بوده تا مشخص کند که ساختار اقتصادی چه تاثیری بر ساختار سیاسی و فرایند مردم‌سالاری در جمهوری اسلامی گذاشته است؟ آیا ساختار اقتصادی و منافع بازیگرانش به تقویت و ارتقاء فرایند مردم‌سالاری کمک کرده‌اند یا مانع و مخالف تقویت و تثبیت مردم‌سالاری در جمهوری اسلامی بوده‌اند؟

چارچوب نظری

برای انجام این تحقیق از «نظریه توازن دوگانه داگلاس نورث»^۱ استفاده شد. پروژه کلان فکری نورث «درک فرایند تغییرات اقتصادی جوامع» بوده و به دنبال بررسی این مساله است که چرا برخی جوامع توسعه می‌یابند و برخی دیگر فقیر و عقب‌مانده هستند (مهدوی، ۱۳۸۸: ص ۱۵۲). وی در این راستا نظریه «خشونت و نظم‌های اجتماعی» را مطرح کرده است که «نظریه توازن دوگانه»^۲ جزئی از نظریه «خشونت و نظم‌های اجتماعی» می‌باشد (نورث، والیس و وینگاست، ۱۳۹۶: ص ۱۶). «نظریه

1. Douglass c.North.

2. Dual balance theory.

توازن دوگانه» بیان می‌دارد که دو نوع نظم اجتماعی در جوامع وجود دارد: نظم اجتماعی دسترسی محدود (ساختارهای سیاسی و اقتصادی دسترسی محدود) و نظم اجتماعی دسترسی باز (ساختارهای سیاسی و اقتصادی دسترسی باز) (نورث، والیس و وینگاست، ۱۳۸۵: ص ۱۰۱).

براساس این نظریه در هر نظم اجتماعی دو سیستم سیاسی و اقتصادی نمی‌توانند در بلند مدت متفاوت از یکدیگر باشند و می‌بایست بین این دو ساختار به لحاظ دسترسی باز یا دسترسی محدود بودن، همواره توازن برقرار باشد، زیرا هر کدام از ساختارهای اقتصادی و سیاسی دسترسی محدود یا باز دارای ویژگی‌هایی می‌باشند که بقاء و تامین منافع‌شان در گرو وجود ساختار هم نوع‌شان است. بنابراین، ساختارهای اقتصادی یا سیاسی نسبت به یکدیگر بی‌تفاوت نبوده و به تقویت و حمایت از ساختار هم نوع خود پرداخته و از بروز تغییر در ساختار هم نوع خود جلوگیری می‌کنند و اگر این توازن به دلایلی از بین برود، درگیری و منازعه میان بازیگران ساختارهای دسترسی محدود و باز بر سر ایجاد و تحقق ساختارهای مطلوب خود شروع شده، در نتیجه کشور به سمت بحران و نزاع‌های داخلی کشیده می‌شود، تا در نهایت یک دسته از این بازیگران پیروز شده و آنها با ایجاد و تشکیل ساختارهای مطلوب خود دوباره توازن را برقرار کنند و در نهایت ثبات و آرامش دوباره به جامعه برگردد (نورث، والیس و وینگاست، ۱۳۹۵: ص ۶۳).

بر این اساس، ساختار اقتصادی دسترسی محدود، ساختار سیاسی دسترسی محدود و اقتدارگرا را تولید و تقویت کرده و از تغییر آن جلوگیری می‌کند، زیرا ساختار اقتصادی دسترسی محدود دارای ویژگی‌هایی همچون رانت‌ها و انحصارات، تجاوز به حقوق مالی دیگران، فساد مالی و اداری، قانون‌گریزی، رابطه‌سالاری و زد و بند در راستای انباشت و تمرکز ثروت و منابع توسط فرادستان است که این ویژگی‌ها تنها در سایه ساختار سیاسی دسترسی محدود که دارای ویژگی‌هایی همچون تمرکز قدرت، عدم تفکیک و استقلال قوا، نبود آزادی بیان و نقد و انتقاد، نبود نظارت و پاسخ‌گویی، فضای بسته و خفقان سیاسی، قانون‌گریزی و سرکوب منتقدین و معترضین می‌باشد، قابل بقاء و دوام خواهد بود، زیرا این ساختار سیاسی هر کسی را که نسبت به انباشت و تمرکز ثروت فرادستان، مفاسدشان و ظلم و ستم آنها معترض باشد را سرکوب کرده و اجازه هیچ گونه اعتراض و فعالیتی را

برای مقابله با فرادستان نمی‌دهد (نورث، والیس و وینگاست، ۱۳۹۵: ص ۷۹).

از طرف دیگر ساختار اقتصادی دسترسی باز نیز تنها با ساختار سیاسی دسترسی باز قابل دوام و بقاء خواهد بود، زیرا ساختار اقتصادی دسترسی باز دارای ویژگی‌هایی همچون توزیع منابع و ثروت‌ها، برابری فرصت‌ها، رقابتی بودن و شفاف بودن فضای اقتصاد، چرخش نخبگان اقتصادی، امنیت مالی و احترام به حقوق مالکیت همگان، حاکمیت قانون، نبود یا کمی فساد مالی و اداری و عدم رانت‌خوری و انحصارگرایی می‌باشد که این ویژگی‌ها تنها با ساختار سیاسی دسترسی باز که دارای ویژگی‌هایی همچون حاکمیت قانون، توزیع قدرت، چرخش قدرت، تفکیک و استقلال قوا، آزادی بیان، نقد و انتقاد، نظارت و پاسخ‌گویی، آزادی مشارکت و فعالیت سیاسی است، قابل بقاء و دوام هستند، زیرا کنترل سیاسی بر ورود به عرصه اقتصاد در ساختار سیاسی دسترسی محدود سبب محدود شدن ساختار اقتصادی می‌شود (نورث، والیس و وینگاست، ۱۳۸۵: ص ۱۱۳).

بنابراین، هر یک از ساختارهای اقتصادی و سیاسی دسترسی محدود و دسترسی باز در راستای بقاء خود و تامین منافع‌شان به تقویت و حمایت از یکدیگر می‌پردازند و با هرگونه تلاش و اقدامی برای تغییر ساختار هم نوع خود مخالفت و مقابله می‌کنند، در نتیجه ساختارها نسبت به یکدیگر بی‌تفاوت نیستند. دولت ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست، بنابراین، پژوهش حاضر تلاش کرد به بررسی تاثیرات ساختار اقتصادی دولت بر ساختار سیاسی بپردازد تا روشن شود که ساختار اقتصادی دولت چه تاثیری بر ساختار سیاسی آن گذاشته است؟ آیا ساختار اقتصادی مانع تقویت و تثبیت ساختار سیاسی دسترسی باز و مردم‌سالاری بوده، یا اینکه زمینه‌ساز و بسترساز بوده است؟ و اگر مانع بوده، ساختار اقتصادی متناسب با شکل‌گیری و تقویت مردم‌سالاری کدام است؟ این پژوهش ابتدا به بررسی نوع ساختار اقتصادی دولت پرداخته، سپس تاثیرات این ساختار اقتصادی بر ساختار سیاسی و فرایند مردم‌سالاری را مورد مطالعه قرار داده است.

نوع ساختار اقتصادی ایران پس از انقلاب اسلامی

برای فهم تاثیرات ساختار اقتصادی دولت بر ساختار سیاسی آن و فرایند مردم‌سالاری لازم

است در ابتدا نوع ساختار اقتصادی را روشن کنیم، زیرا بسته به نوع ساختار، تاثیرات نیز متفاوت می‌باشد. از این رو در ابتدا نوع ساختار اقتصادی دولت را مورد بررسی قرار دادیم. برای این کار از چهار شاخص که برگرفته از آثار نورث می‌باشند، استفاده شد که عبارتند از: رانت‌ها و انحصارات، فساد مالی و اداری، عدم احترام به حقوق مالکیت و نبود امنیت مالی، انباشت و تمرکز ثروت. شیوع و گسترش این ویژگی‌ها در روابط بین بازیگران اقتصادی نشانه دسترسی محدود بودن و عدم آن نشانه دسترسی باز بودن ساختار اقتصادی است.

براساس تحلیل‌ها و بررسی‌های صورت گرفته در رابطه با وضعیت این شاخص‌ها در ساختار اقتصادی دولت مشخص می‌شود که این ویژگی‌ها در ساختار اقتصادی دولت رایج و گسترده بوده و روابط بین بازیگران اقتصادی مبتنی بر این ویژگی‌ها است. بنابراین، ساختار اقتصادی دولت به سمت ساختار اقتصادی دسترسی محدود گرایش دارد و بخش دولتی و شبه دولتی دو بازیگر بزرگ این ساختار هستند که بیشترین منفعت را از این ساختار دارند. لذا در ادامه به بررسی تاثیرات این ساختار اقتصادی دسترسی محدود و منافع بازیگرانش بر ساختار سیاسی دولت می‌پردازیم.^۱

تاثیر ساختار اقتصادی دسترسی محدود بر ساختار سیاسی و فرایند مردم‌سالاری

در بخش قبل بیان شد که ساختار اقتصادی دولت از نوع دسترسی محدود بوده و بخش دولتی و شبه دولتی دو بازیگر این ساختار اقتصادی دسترسی محدود هستند که منافع‌شان در بقاء این ساختار است. همچنین مشخص شد که ساختار اقتصادی دسترسی محدود با توجه به ویژگی‌هایی که دارد تنها با ساختار سیاسی دسترسی محدود قابل بقاء و دوام خواهد بود، در این راستا، این بخش به دنبال بررسی این مساله است که ساختار اقتصادی دسترسی محدود و بازیگرانش در راستای بقاء و تامین منافع خود چه تاثیری بر ساختار سیاسی گذاشته‌اند؟ آیا در پی ایجاد، تقویت و حمایت از ساختار سیاسی دسترسی محدود و تضعیف مردم‌سالاری برآمده‌اند یا خیر؟ برای روشن

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به پایان نامه دکتری نویسنده این مقاله تحت عنوان «بررسی تاثیر ساختار اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر ساختار سیاسی آن با تاکید بر فرایند مردم‌سالاری» مراجعه شود.

شدن این مساله به بررسی شاخص‌های ساختار سیاسی دسترسی باز و تاثیراتی که ساختار اقتصادی دسترسی محدود و بازیگرانش بر آنها گذاشته‌اند، می‌پردازیم.

توزیع قدرت

در رابطه با اینکه ساختار اقتصادی دسترسی محدود دولت چه تاثیری بر توزیع قدرت گذاشته است باید گفت که توزیع قدرت در قانون اساسی سال ۱۳۵۸ و سپس در سال ۱۳۶۸ شکل و قوام گرفت. بر این اساس قدرت در جمهوری اسلامی بین چهار نهاد رهبری، قوه مجریه، قوه قضائیه و قوه مقننه تقسیم شده است، اما توزیع قدرت به صورت یکنواخت و یکسان نیست و به سمت تمرکز قدرت گرایش دارد. ساختار اقتصادی دسترسی محدود در این مساله یعنی سوق داده شدن ساختار سیاسی به سمت تمرکز قدرت نقشی نداشته است.

اما آیا ساختار اقتصادی دسترسی محدود در راستای بقاء و حفظ منافع خود تلاشی در جهت حفظ تمرکز قدرت و مقابله با اقداماتی که در پی توزیع متعادل‌تر قدرت در جمهوری اسلامی بوده‌اند، انجام نداده است؟

این مساله از آنجایی دارای اهمیت است که توزیع متعادل‌تر قدرت و افزایش قدرت سه قوه تاثیر مستقیمی بر بقاء ساختار اقتصادی دسترسی محدود و منافع بازیگرانش دارد، زیرا به عنوان مثال اگر اختیارات و قدرت قوه مجریه افزایش پیدا کرده و رئیس جمهور بتواند سیاست‌های اقتصادی را خود اتخاذ و اعمال کند، رئیس جمهور در راستای شکوفایی اقتصادی و توزیع عادلانه‌تر منابع و فرصت‌ها به حذف بخش شبه دولتی اقدام خواهد کرد و یا با حذف سوبسیدها^۱ و یارانه‌ها در عرصه‌های مختلف زمینه بسیاری از رانت‌ها را از بین خواهد برد و همچنین با انحصارات به مقابله خواهد پرداخت و یا اگر قوه قضائیه از اختیارات و قدرت بیشتری برخوردار شود با بسیاری از مفاسد مالی و اداری و متخلفان بدون در نظر گرفتن جایگاه و روابط آنها به مقابله خواهد پرداخت و حاشیه امن فرادستان را از بین خواهد برد و یا قوه مقننه با تصویب قوانین لازم به مقابله با رانت‌ها و انحصارات و مفاسد مالی و

1. Subsidy.

اداری خواهد پرداخت و زمینه این مشکلات و معایب اقتصادی که موجب بقاء و دوام ساختار اقتصادی دسترسی محدود می شوند را از بین می برد.

بنابراین توزیع متعادل تر قدرت در تضاد آشکار با بقاء ساختار اقتصادی دسترسی محدود و منافع بازیگرانش قرار دارد از همین رو در ادامه به بررسی واکنش ساختار اقتصادی دسترسی محدود نسبت به اقداماتی که در پی توزیع متعادل تر قدرت هستند، می پردازیم.

یکی از اقدامات صورت گرفته در رابطه با توزیع متعادل تر قدرت در جمهوری اسلامی لایحه افزایش اختیارات رئیس جمهور است که به دنبال افزایش قدرت قوه مجریه بود، اما این لایحه در طی کردن مسیر قانونی خود در راه تصویب، با مخالفت شورای نگهبان مواجه شد، در نتیجه این لایحه توسط شورای نگهبان رد شد، نه اینکه مخالفت ساختار اقتصادی دسترسی محدود مانع تصویب این لایحه شده باشد.

البته ساختار اقتصادی دسترسی محدود نسبت به این لایحه کاملاً بی تفاوت نبوده و هرگاه این درخواست مطرح می شده است، چه در دوره خاتمی و چه در دوره احمدی نژاد و روحانی، از طریق نشریات، مطبوعات و رسانه های خود به مقابله با این درخواست پرداخته و سعی در تخریب این درخواست و غیرمنطقی جلوه دادن آن در افکار عمومی داشته است^۱. مسأله ای که نشان می دهد ساختار اقتصادی دسترسی محدود مخالف این درخواست بوده و از تصویب چنین لایحه ای ناراضی می باشد، زیرا می داند تصویب چنین لوایحی بقاء و منافعش را تهدید کرده و نیز چنین لوایح و مصوباتی از طرف شورای نگهبان رد می شوند، لذا به مخالفت در حد نشریات و مطبوعات اکتفاء می کند.

چرخش قدرت

در رابطه با چرخش قدرت در جمهوری اسلامی باید گفت، اصل چرخش قدرت در جمهوری اسلامی وجود دارد، اما ساختار اقتصادی دسترسی محدود با ایجاد یک سری محدودیت ها سبب

۱. در این رابطه می توان به خبرگزاری ها و نشریات مربوط به بخش شبه دولتی رجوع کرد.

شده است چرخش قدرت در جمهوری اسلامی کارآیی و تاثیر چندانی نداشته باشد که در ادامه به بررسی این محدودیت‌ها می‌پردازیم.

دولت و اقتصاد

براساس شواهد موجود شروع اختلافات بین نیروهای انقلابی در سال‌های بعد از انقلاب بیشتر مسائل اقتصادی بوده که در مجلس دوم و همزمان با نخست‌وزیری میرحسین موسوی خود را نشان داد (کردی، ۱۳۸۶: ص ۱۸۹). در این سال‌ها جناح اصناف و بازار (غالباً اعضای موتلفه اسلامی) و جناح راست حزب جمهوری اسلامی و جناح راست جامعه روحانیت مبارز با توجه به اینکه خود بازاری بودند و یا در ارتباط با بازاریان بوده و در عرصه اقتصاد به ویژه تجارت داخلی و خارجی فعال بودند و منافع‌شان در عدم دخالت دولت در بازار بود، به تدریج خواهان عدم دخالت دولت در بازار و واگذاری اقتصاد به بخش خصوصی یا همان بازار آزاد سستی شدند. در مقابل، جناح چپ حزب جمهوری اسلامی و جناح چپ جامعه روحانیت مبارز و طرفداران دولت میرحسین قرار داشتند که با توجه به اینکه بازاری نبودند و منفعی در این عرصه نداشتند، مدافع دخالت دولت در بازار و سیاست‌های مداخله‌گرایانه دولت در اقتصاد و حمایت از اقشار ضعیف و مستضعف بودند و حمایت از بخش خصوصی را حمایت از سرمایه‌دار و اسلام آمریکایی معرفی می‌کردند (مصباحی مقدم، ۱۳۷۰: ص ۳۲). این مساله سبب شد به تدریج این دو جناح اختلافات‌شان بر سر مسائلی همچون میزان دخالت دولت در اقتصاد، انتخاب و تمدید نخست‌وزیری میرحسین موسوی، لوایح و قوانینی همچون مالیات، اصلاحات ارضی، تعاونی‌ها، قانون کار، تجارت خارجی، مبارزه با احتکار و فقه پویا و سستی شکل گرفته و به عرصه سیاسی نیز کشیده شود و در نهایت مجمع روحانیون مبارز از جامعه روحانیت مبارز منشعب شده و دو جناح چپ و راست در عرصه اقتصادی و سیاسی شکل بگیرند (فوزی، ۱۳۸۴: ص ۱۰۸).

از طرف دیگر، تا قبل از ارتحال امام خمینی به دلیل حمایت‌های ایشان از دولت میرحسین و اینکه جناح چپ توانست خود را حامی مستضعفین و جناح راست را حامی سرمایه‌داری و اسلام آمریکایی جلوه دهد و اینکه به دلیل برخی مسائل دیگر، جناح چپ از قدرت و نفوذ بیشتری

برخوردار بود و در هر سه قوه مخصوصا اکثریت مجلس سوم را در اختیار داشت، لذا به مخالفت با خواسته‌های جناح راست می‌پرداخت و با تاکید بر دولتی کردن اقتصاد و حمایت از میرحسین و تصویب قوانینی که جناح راست با آنها مخالف بود، همواره منافع جناح راست و بازاریان را تهدید می‌کرد (میلانی، ۱۳۸۱: ص ۳۵۴). جناح راست نیز که دارای انحصارات و رانت‌های زیادی در عرصه اقتصاد و تجارت داخلی و خارجی بود، همواره به دنبال راهی بود تا بتواند وضعیت خویش را بهبود بخشیده و منافعش را از تهدیدات جناح چپ نجات دهد تا اینکه با ارتحال امام خمینی و تغییر رهبری زمینه این تغییرات فراهم شد (خواجه سروی، ۱۳۸۲: ص ۳۳۹).

با ارتحال امام خمینی و تغییر رهبری با توجه به اینکه خود رهبری به لحاظ اقتصادی طرفدار دولتی کردن اقتصاد نبودند و انتخاب هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری که خواهان خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصاد بود، به تدریج جناح راست تقویت شد. این جناح در راستای افزایش قدرت خود و در اختیار گرفتن باقی مراکز قدرت و به حاشیه راندن نیروهای چپ و حمایت از اقتصاد بازار آزاد سنتی و تامین منافع خود درصدد برآمد مجلس را نیز در اختیار بگیرد. بنابراین، شاید بتوان گفت ساختار اقتصادی دسترسی محدود توسط بازیگران خود باعث تقویت ساختار سیاسی دسترسی محدود شده است.

ساختار اقتصادی دسترسی محدود همچنین با حفظ و حمایت از توزیع نابرابر قدرت بر چرخش قدرت تاثیر گذاشته و با ایجاد محدودیت باعث کم اثر شدن چرخش قدرت و در نتیجه تقویت ساختار سیاسی دسترسی محدود شده است. علاوه بر اینها ساختار اقتصادی دسترسی محدود با استفاده از نهادهای موازی به مداخله در امور مقامات انتخابی پرداخته و با ایجاد محدودیت در حوزه اختیارات و عملکرد آنها بیش از پیش دایره قدرت و انتخاب مقامات انتخابی را محدود می‌سازد، مساله‌ای که باعث ایجاد محدودیت بیشتر در چرخش قدرت و کم اثر شدن آن و در نتیجه تقویت ساختار سیاسی دسترسی محدود شده است.

بنابراین، ساختار اقتصادی دسترسی محدود با اعمال نظارت و حمایت از تمرکز قدرت و مداخله در امور مقامات انتخابی توسط نهادهای موازی باعث ایجاد محدودیت در چرخش قدرت شده و از این طریق بر ساختار سیاسی جمهوری اسلامی تاثیر گذاشته و باعث تقویت ساختار

سیاسی دسترسی محدود و تضعیف ساختار سیاسی دسترسی باز شده است.

استقلال قوا

در رابطه با استقلال قوا باید گفت ساختار اقتصادی دسترسی محدود از دو طریق استقلال قوه مجریه و مقننه را خدشه‌دار کرده که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

قوه مجریه

در رابطه با قوه مجریه ساختار اقتصادی دسترسی محدود از طریق بازیگرانش یعنی نهادهای موازی به مداخله در امور این قوه پرداخته و استقلال این قوه را خدشه‌دار کرده است. این نهادهای موازی در همه سطوح وجود دارند و با توجه به اینکه منافع خاص خود را داشته و از نفوذ و قدرت بیشتری برخوردارند، لذا دایره انتخاب و قدرت مقامات و مسئولان قوه مجریه را محدود کرده و آنها نیز چاره‌ای جز همراهی و هماهنگی با این نهادهای موازی ندارند، این در حالی است که مقام معظم رهبری در موارد متعددی با حمایت از استقلال قوا، در این رابطه می‌فرماید: دعوا کردن راه اصلاح نیست، همچنان که ایجاد تشکیلات و کار موازی با دولت نیز به صلاح و موفق نخواهد بود و تجربه ثابت کرده است کار باید به وسیله مسئولان آن در مجاری قانونی انجام شود (سخنرانی مقام معظم رهبری، ۲۴ شهریور ۱۳۹۷).

قوه مقننه

ساختار اقتصادی دسترسی محدود در قوه مقننه نیز در برخی از عرصه‌ها بر استقلال قوا تاثیر گذاشته و با خدشه‌دار کردن استقلال آنها بر ساختار سیاسی تاثیرگذار بوده و باعث تقویت ساختار سیاسی دسترسی محدود شده است. البته استقلال قوا در جمهوری اسلامی از طرق دیگری نیز خدشه‌دار شده که در اینجا مجال پرداختن به آنها نیست.

آزادی بیان

آزادی بیان عرصه‌های متنوعی دارد، مانند رسانه‌های صوتی و تصویری، مطبوعات، کتاب و

فیلم، فضای مجازی، ماهواره، سخنرانی و غیره که به جهت رعایت اختصار تنها به بررسی تاثیرات ساختار اقتصادی بر آزادی بیان در عرصه مطبوعات پرداخته می‌شود. حامیان ساختارهای دسترسی باز در جمهوری اسلامی در راستای بیان افکار و اندیشه‌های خود با توجه به اینکه امکان فعالیت و استفاده از رسانه‌های صوتی و تصویری برایشان میسر نبود، از همان ابتدای شروع فعالیت‌های خود در اواخر دهه شصت و اوائل دهه هفتاد تمرکز خود را بر مطبوعات و نشریات قرار دادند.

این اقدامات تهدید بزرگی برای ساختار اقتصادی دسترسی محدود بودند، لذا، ساختار اقتصادی دسترسی محدود در ابتدا با استفاده از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با عدم ارائه تسهیلات و کمک‌های جانبی به نشریات و ناشران منتقد، وضع موجود آنها را تحت فشار قرار داد، اما برخی از مطبوعات همچنان به روش خود ادامه دادند و وزارت ارشاد نیز اقدام به لغو پروانه و مجوز انتشار نشریات کرد، در نتیجه امتیاز برخی نشریات لغو شد، گروهی نیز با فراخوانده شدن به دادگاه با تذکر کتبی، جریمه نقدی و غیره روبرو شدند یا مدیران مسئول آنها از فعالیت مطبوعاتی منع گردیدند. علاوه بر این ساختار اقتصادی دسترسی محدود با استفاده از بخش شبه دولتی نیز به مقابله با مطبوعات و نشریات پرداخت و اقداماتی همچون به آتش کشیدن کتابفروشی‌ها، حمله به غرفه کتاب‌ها و مطبوعات در نمایشگاه‌ها، حمله به سینماها و به دفاتر مجلات مانند حمله به دفتر مجله دنیای سخن و انتشارات توس در بهار ۱۳۷۱ و برگزاری تجمعات و اعتراضات در مقابل وزارت فرهنگ و ارشاد را انجام داد (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۴: ص ۲۶۸). این وضعیت ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۳۷۶ جریان اصلاحات در انتخابات پیروز شد، این جریان برای ارتباط با جامعه و بیان سخنان خود به مطبوعات روی آورد، در نتیجه تعداد عناوین مطبوعات از ۵۱۳ عنوان در سال ۱۳۷۰ به ۱۲۵۰ عنوان در سال ۱۳۷۸ افزایش یافت (دارابی، ۱۳۷۹: ص ۲۹۱). این مطبوعات بیشتر به انتقال مفاهیمی همچون جامعه مدنی، حقوق شهروندی، حقوق بشر، آزادی بیان، آزادی مشارکت سیاسی، دموکراسی و مردم‌سالاری و نقد و انتقاد از وضع موجود می‌پرداختند، لذا موجب تقویت هرچه بیشتر مردم‌سالاری، افزایش فهم و بینش مردم، افزایش توقعات و انتظارات سیاسی مردم می‌شدند که در صورت تداوم این وضعیت سرانجام به تقویت ساختار سیاسی دسترسی باز و تغییر

ساختار اقتصادی دسترسی محدود منجر می‌شد. در این راستا، مقابله با مطبوعات به عنوان یکی از ابزارهای ارتباطی مهم حامیان ساختارهای دسترسی باز با جامعه تشدید و توقیف مطبوعات شروع شد و روزنامه‌های زیادی توقیف شدند، اما روزنامه‌های توقیف شده دست از کار نمی‌کشیدند و دوباره با اسم دیگری شروع به کار می‌کردند. بنابراین، در عمل موج توقیف با موج تاسیس روزنامه‌های جدید همراه شده بود، در مقابل قوه قضائیه برای مقابله با این مساله به بازداشت زندانی کردن نویسندگان و مسئولان روزنامه‌ها پرداخت (میرسلیم، ۱۳۸۴: ص ۵۵۴).

علاوه بر این نمایندگان مجلس به فکر استیضاح وزیر ارشاد و سپس تغییر قانون مطبوعات افتادند. از طرف دیگر، قوه قضائیه دستور توقیف تعداد زیادی از نشریات را صادر کرد، این مساله سبب شد تا موجی از توقیف مطبوعات در اردیبهشت سال ۱۳۷۹ شروع شود و تعداد زیادی از مطبوعات یک‌مرتبه توقیف شوند و نویسندگان و روزنامه‌نگاران زیادی بازداشت شده و در نهایت عده زیادی از آنها محکوم به زندان شوند و یا از روزنامه‌نگاری و نویسندگی منع شوند (دلفروز، ۱۳۹۳: ص ۳۵۲).

در کنار این اقدامات صدا و سیما نیز به تخریب حامیان ساختارهای دسترسی باز پرداخته این افراد را به نفاق، بی‌دینی، وابستگی به آمریکا و تلاش برای براندازی نظام متهم می‌کرد. در این راستا بود که برنامه «هویت» از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد. در ادامه دانشجویان نسبت به توقیف مطبوعات و از بین بردن فضای آزادی بیان اعتراض کردند که با پاسخ نیروهای امنیتی مواجه شدند و حمله به کوی دانشگاه تهران رخ داد. پس از این حوادث در سال‌های بعد توقیف مطبوعات و دستگیری روزنامه‌نگاران همواره در ایران وجود داشته و تلاش حامیان ساختار سیاسی دسترسی باز برای تغییر قانون مطبوعات و دادن آزادی بیشتر به مطبوعات ناکام مانده است، این در حالی است که مقام معظم رهبری در جملات و سخنان متعددی بر آزادی بیان تاکید داشته و از جمله می‌فرماید: معتقدم که آزادی قلم و بیان، حق مسلم مردم و مطبوعات است (مقام معظم رهبری، ۲۲ اسفند ۱۳۷۹).

بنابراین، حوادث فوق نشان می‌دهد که اقدامات و فعالیت‌های صورت گرفته در راستای تحقق آزادی بیان در مطبوعات و نشریات با واکنش منفی و مخالفت ساختار اقتصادی دسترسی محدود،

قوه قضائیه و صدا و سیما مواجه شده است، در نتیجه ساختار اقتصادی دسترسی محدود به مخالفت با اقدامات و فعالیت‌هایی که در راستای تحقق آزادی بیان در مطبوعات و نشریات بوده پرداخته است و با محدود کردن آزادی بیان در این عرصه به تقویت ساختار سیاسی دسترسی محدود کمک کرده است.

آزادی مشارکت و فعالیت سیاسی

آزادی مشارکت و فعالیت سیاسی دارای عرصه‌های متعددی است که در اینجا به جهت رعایت اختصار به بررسی مشارکت و فعالیت سیاسی در اتحادیه و اصناف می‌پردازیم. در رابطه با فعالیت اتحادیه‌ها و اصناف بعد از انقلاب اسلامی اتفاقی در عرصه فعالیت اصناف و اتحادیه‌ها رخ داد که وضعیت آنها در زمینه مشارکت سیاسی را به طور کلی متحول کرد، بدین نحو که ساختار اقتصادی دسترسی محدود با استفاده از بازیگران خود یعنی دولت با مداخله در بازار، اصناف و اتحادیه‌های خودجوش را منحل و در مقابل اتحادیه‌ها و اصناف دولتی را جایگزین کرد، در نتیجه اتحادیه‌ها و اصناف به جای اینکه برآمده از خود فعالان هر حرفه و صنف باشند و با متحد کردن آنها زمینه رفع دغدغه‌ها و مشکلات‌شان را فراهم کنند و به فعالیت سیاسی پرداخته و بر مسئولین و مقامات نظارت کنند، به عامل کنترل‌کننده و نظارت‌کننده بر فعالیت‌های بازاریان و کارگران تبدیل شدند (بهداد و نعمانی، ۱۳۸۶: ص ۸۷).

این مساله در رابطه با کارگران و فعالیت‌های صنفی آنها مشهودتر است. این گروه که در زمان انقلاب یکی از نیروهای موثر در مبارزه علیه رژیم شاه بودند و با اتحاد خود و اعتصابات فراگیر رژیم پهلوی را به زانو درآوردند، در بعد از انقلاب اجازه راه‌اندازی سندیکا و اصناف مستقل و برآمده از خود کارگران به آنها داده نشد و تمامی اتحادیه‌ها و شوراهای مستقل کارگری منحل شدند و فعالیت‌شان ممنوع شد و به جای آنها شوراهای اسلامی کار و انجمن‌های اسلامی کار تشکیل شدند که خانه کارگر نیز در رأس شوراهای اسلامی کار قرار داشت. شوراهای اسلامی کار در جمهوری اسلامی بیشتر به جای حمایت از منافع و عملکرد نیروهای کارگر وسیله‌ای برای کنترل و نظارت بر کارگران بوده‌اند و بیشتر کارکردهای تبلیغاتی و امنیتی دارند

(Nomani & behdad, 2012: p. 222).

علاوه بر موانع و محدودیت‌هایی که بیان شد، در عمل نیز همواره تجمعات، اعتراضات و فعالیت‌های این گروه سرکوب شده است، از جمله این موارد می‌توان به ضرب و شتم کارگران نیشکر هفت تپه و هپکو و یا معلمان اشاره کرد. همچنین ساختار اقتصادی دسترسی محدود با اتخاذ سیاست‌های مختلف انسجام و استقلال نهاد بازار را تا حد زیادی تضعیف کرده و آن را از لحاظ سیاسی منفعل ساخته است.

در رابطه با مشارکت از طریق انتخابات نیز ساختار اقتصادی دسترسی محدود و بازیگرانش با استفاده از نظارت استصوابی، حفظ و حمایت از توزیع نابرابر قدرت و نهادهای موازی بر انتخابات تاثیر گذاشته و مشارکت در عرصه سیاست از طریق انتخابات را کم‌اثر ساخته‌اند. لذا، در این عرصه نیز ساختار اقتصادی دسترسی محدود و بازیگرانش بر ساختار سیاسی تاثیر گذاشته و باعث تضعیف ساختار سیاسی دسترسی باز شده‌اند. در حالی که مقام معظم رهبری در سخنان متعددی بر اهمیت انتخابات و مشارکت مردم در انتخابات تاکید داشته و بیان می‌کنند: انتخابات در کشور ما یک حرکت نمایشی نیست، پایه نظام ما همین انتخابات است، مردم‌سالاری دینی با حرف نمی‌شود، مردم‌سالاری دینی با مشارکت مردم، حضور مردم و اراده مردم صورت می‌گیرد (مقام معظم رهبری، ۱ فروردین ۱۳۸۸).

نتیجه‌گیری

با توجه به توضیحات و تحلیل‌های صورت گرفته روشن می‌شود که:

ساختار اقتصادی جمهوری اسلامی از نوع دسترسی محدود بوده و بخش دولتی و شبه‌دولتی دو بازیگر این ساختار اقتصادی می‌باشند که منافع‌شان در بقاء ساختار اقتصادی دسترسی محدود است. ساختار اقتصادی دسترسی محدود و بازیگرانش در راستای بقاء و حفظ منافع خود با تاثیرگذاری بر برخی از شاخص‌های ساختار سیاسی دسترسی باز همچون توزیع قدرت، چرخش قدرت، استقلال قوا، آزادی بیان، آزادی مشارکت و فعالیت سیاسی و محدود و کم اثر کردن آنها، به تقویت ساختار سیاسی دسترسی محدود و تضعیف ساختار سیاسی دسترسی باز پرداخته‌اند.

بنابراین، یکی از موانع تقویت و ارتقاء مردم‌سالاری در جمهوری اسلامی ساختار اقتصادی دسترسی محدود و بازیگرانش هستند.

در قوانین جمهوری اسلامی ایران بر سایر شاخص‌های ساختار سیاسی دسترسی باز مثل توزیع قدرت، چرخش قدرت، استقلال و تفکیک قوا، آزادی بیان، آزادی مشارکت و فعالیت سیاسی، حق نقد و انتقاد، نظارت و پاسخگوئی، تشکیل حزب و غیره تصریح شده است، اما این شاخص‌ها آنچنان در قوانین و سپس در عمل محدود و کنترل شده‌اند که تاثیر بسیار کمی در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی و در جامعه دارند، بنابراین، وجود آنها در جامعه احساس نمی‌شود و ساختار سیاسی جمهوری اسلامی به سمت دسترسی محدود گرایش دارد.

ساختار اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی به سمت ساختارهای دسترسی محدود متمایل هستند و همانطور که بیان شد رشد و پیشرفت مداوم از درون این ساختارها حاصل نمی‌شود، این در حالی است که حکومت اسلامی مخصوصاً شیعی برای بقاء و قدرتمند بودن و پیشبرد اهداف خود نیاز به توسعه و پیشرفت دارد، لذا، اصلاح ساختارها در راستای رسیدن به پیشرفت و توسعه می‌بایست مورد توجه قرار گیرد.

برای بهبود اقتصاد ایران و وضعیت معیشتی مردم انجام کارهای جزئی مثل تک نرخی کردن یا چند نرخی ارز، کنترل تورم، دادن و یا حذف یارانه‌ها، تشکیل صندوق ذخیره ارزی، خصوصی‌سازی و غیره فایده‌ای نخواهد داشت، زیرا مشکل اقتصاد ایران ریشه‌ای و اساسی و در واقع در ساختار حاکم بر اقتصاد ایران است.

بنابراین، ساختار اقتصادی دسترسی محدود جمهوری اسلامی نه تنها یکی از موانع تقویت و ارتقاء مردم‌سالاری در جمهوری اسلامی است، بلکه مانع بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی جامعه و رشد و پیشرفت کشور نیز می‌باشد، از این رو تغییر ساختار اقتصادی از دسترسی محدود به دسترسی باز لازم و ضروری است.

منابع

۱. بهداد، سهراب؛ نعمانی، فرهاد (۱۳۸۶). طبقه و کار در ایران. ترجمه محمود متحد. تهران: انتشارات آگاه.
۲. خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۸۲). رقابت و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳. دارابی، علی (۱۳۷۹). سیاست‌مداران اهل فیضیه: بررسی و نقد عملکرد جامعه روحانیت مبارز. تهران: سیاست.
۴. دلفروز، محمدتقی (۱۳۹۳). دولت و توسعه اقتصادی. تهران: انتشارات آگاه.
۵. سخنرانی مقام معظم رهبری پیرامون اتحاد ملی و انسجام اسلامی، ۲۴ شهریور ۱۳۹۷. قابل دسترس در: www.khamenei.ir/newspart-index?tid=988
۶. سخنرانی مقام معظم رهبری پیرامون انتخابات، مردم‌سالاری دینی، ۱ فروردین ۱۳۸۸. قابل دسترس در: www.khamenei.ir/newspart-index?tid=1174
۷. سخنرانی مقام معظم رهبری پیرامون آزادی بیان و قلم، ۲۲ اسفند ۱۳۷۹. قابل دسترس در: www.khamenei.ir/newspart-index?tid=1115
۸. فوزی، یحیی (۱۳۸۴). تحولات سیاسی - اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی. تهران: موسسه نشر آثار امام خمینی، ج ۲.
۹. کردی، علی (۱۳۸۶). جامعه روحانیت مبارز تهران از شکل‌گیری تا انشعاب. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۰. مصباحی مقدم، غلامرضا (۱۳۷۰). بررسی اختلاف مواضع موجود در اقتصاد جمهوری اسلامی ایران. نور علم، دوره ۴، شماره ۴۲: ص ۱۴۹-۱۳۱.
۱۱. مصلی‌نژاد، غلام‌عباس (۱۳۸۴). آسیب‌شناسی توسعه اقتصادی در ایران. تهران: قومس.
۱۲. مهدوی، ابوالقاسم (۱۳۸۸). تطور برنامه پژوهشی یک اقتصاددان: داگلاس نورث. جستارهای

- اقتصادی، سال ۶، شماره ۱۲: ص ۱۴۹-۱۷۴.
۱۳. میرسلیم، مصطفی (۱۳۸۴). جریان‌شناسی فرهنگی بعد از انقلاب. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۱۴. میلانی، عباس (۱۳۸۱). شکل‌گیری انقلاب اسلامی از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی. ترجمه مجتبی عطارزاده. تهران: گام نو.
۱۵. نورث، داگلاس؛ والیس، جان؛ وینگاست، باری (۱۳۸۵). چارچوبی مفهومی برای تفسیر تاریخ مکتوب بشری. ترجمه جعفر خیرخواهان. اقتصاد سیاسی، شماره ۳: ص ۱۵۱-۹۲.
۱۶. نورث، داگلاس؛ والیس، جان؛ وینگاست، باری (۱۳۹۵). سیاست اقتصاد و مسائل توسعه در سایه خشونت. ترجمه محسن میردامادی، محمدحسین نعیمی‌پور. تهران: نشر روزنه.
۱۷. نورث، داگلاس؛ والیس، جان؛ وینگاست، باری (۱۳۹۶). خشونت و نظام‌های اجتماعی. ترجمه جعفر خیرخواهان، رضا مجیدزاده. تهران: روزنه.
18. 18.Nomani, farhad & behdad, sohrab (2012). Labor rights and democracy movment in iran: building a social democracy. *Northwestern journal of international human rights*, vol.10, NO.4: p212-230.